

سرمقاله



سیامک صدیقی*

روایت ایستادن در میانه تغییر

چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر در زمانی از راه می‌رسد که سینمای ایران بیش از هر دوره دیگری در وضعیت «میانه» ایستاده است؛ نه در نقطه قطعیت، نه در آرامش، و نه در سکون. این جشنواره، مثل خود سینما، حامل پرسش‌هایی است که پاسخ روشن ندارند، اما ناگزیر باید مطرح شوند. فجر امسال، پیش از آن که میدان رقابت باشد، صحنه مواجهه است؛ مواجهه سینما با خودش، با جامعه و با انتظاری که از آن می‌رود.

اگر جشنواره را آینه سینمای سال بدانیم، تصویر امسال تصویری ساده و بی‌حاشیه نیست. تنوع صداها، حضور پررنگ فیلم‌سازان اول، فاصله نسلی در نگاه‌ها و تغییر در شیوه روایت، همه نشانه سینمایی است که در حال بازتعریف خود است. سینمایی که هم‌زمان می‌خواهد دیده شود، جدی گرفته شود و از زیر سایه تکرار بیرون بیاید. این تلاش، چه موفق باشد و چه نه، مهم‌ترین ویژگی فجر چهل و چهارم است.

جشنواره امسال، بیش از گذشته بر مفهوم «سینمای ملی» مکت دارد؛ مفهومی که دیگر نمی‌توان آن را فقط در جغرافیا یا مناسبات تولید خلاصه کرد. سینمای ملی امروز، سینمای

پرسش است؛ پرسش از زیست معاصر، از شکاف‌ها، از امیدها و از ترس‌ها. بسیاری از فیلم‌های این دوره، آگاهانه یا ناخودآگاه، درگیر همین موقعیت‌اند؛ تلاشی برای روایت زمانه‌ای که ساده روایت نمی‌شود.

از سوی دیگر، فجر چهل و چهارم نشان می‌دهد که نسل تازه‌ای از فیلم‌سازان در حال ورود به میدان‌اند؛ نسلی که الزاماً ادامه مستقیم مسیر پیشینیان نیست، بلکه با زبان، دغدغه و حتی ریسک‌های متفاوت حرف می‌زند. این حضور، جشنواره را زنده نگه می‌دارد، حتی اگر نتیجه آن ناهمگون، نامتوازن یا بحث‌برانگیز باشد. جشنواره‌ای که بی‌حاشیه باشد، معمولاً بی‌اثر هم هست.

در این میان، نقش جشنواره فقط داوری و اهدای سیمرغ نیست. فجر، اگر بخواهد همچنان اعتبار خود را حفظ کند، باید بستر گفت‌وگو باقی بماند؛ جایی که اختلاف سلیقه‌ها به حذف منجر نشود و تفاوت نگاه‌ها به رسمیت شناخته شود. سینما زمانی رشد می‌کند که امکان آزمون و خطا داشته باشد، نه زمانی که به الگوهای امن بسنده کند. چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر، شاید جشن پاسخ‌های قطعی نباشد، اما قطعاً جشن طرح پرسش‌های تازه است. و همین، در زمانه‌ای که قطعیت کمیاب شده، می‌تواند مهم‌ترین کارکرد یک جشنواره سینمایی باشد.

فجر امسال، بیش از آن که پایان یک مسیر باشد، نشانه ادامه راهی است که هنوز شکل نهایی‌اش روشن نیست؛ راهی که سینمای ایران ناگزیر است آن را، با همه دشواری‌هایش، طی کند.

*دبیر ماهنامه صبا